

## نگاهی بر نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

دکتر تقی جباری فر<sup>۱</sup>، دکتر حسن زارعی<sup>۲</sup>، محبوبه جهانگرد شرقی<sup>۳</sup>

۱- استادیار رشته علوم تربیتی دانشگاه یزد

۲- استادیار رشته روانشناسی دانشگاه یزد

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته روان شناسی تربیتی دانشگاه یزد

## چکیده

هدف از نوشتار حاضر نگاهی بر نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. مقاله حاضر از نوع مروری و کتابخانه ای می باشد. در این مقاله ضمن ارائه تعاریفی از نظام خانواده، به بررسی نقش این نظام اجتماعی مهم از طریق شیوه های تعامل والدین با فرزندان در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخته ایم و مروری بر پژوهش های انجام یافته در این زمینه داشته ایم. خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که در شکل گیری عادت ها و اندیشه های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به عنوان مهم ترین شاخص توفیق فعالیت های علمی و آموزشی محسوب می شود. شناسایی متغیرهای پیش بین کارکرد تحصیلی، از یک سو پیش گیری از پیامدهای شکست در مدرسه و پدیدآوری محیطی خوشایند برای یادگیری را افزایش می دهد و از سوی دیگر می تواند در دست یابی به روش های مناسب و تکیه بر اولویت های کاربردی کمک کننده باشد.

کلمات کلیدی: خانواده، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان

## مقدمه و بیان مسئله

در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به عنوان مهم ترین شاخص توفیق فعالیت های علمی و آموزشی محسوب می شود، بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از اهمیت خاصی نزد پژوهشگران علوم تربیتی و روان شناسی برخوردار است.

عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی فراوان و متعدد هستند؛ از عوامل فردی چون انگیزش تحصیلی و سازه‌های مربوط به خود گرفته تا عوامل محیطی چون کارکرد خانواده و عوامل مرتبط با مدرسه را شامل می‌شود (میکوچی<sup>۱</sup>، بیتا؛ ترجمه یاسایی، ۱۳۸۳).

یکی از محیط‌های بسیار اثرگذار و مهم در این زمینه خانواده است. خانواده نخستین نهاد زندگی اجتماعی کودک است که در شکل‌گیری عادت‌ها و اندیشه‌های اجتماعی کودک نقش بسیار مهمی دارد. به بیان دیگر خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی به سر می‌برند. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد و نهاد اولیه هر جامعه‌ای به شمار می‌رود که کانون ظهور عواطف انسانی و روابط صمیمانه میان افراد است و می‌توان گفت عملکرد خانواده تأثیر مستقیم و بسزایی بر عملکرد جامعه دارد (مظاهری، ۱۳۸۷). در شکل‌گیری رفتار و دیدگاه‌های اجتماعی کودک، جنبه‌های عاطفی روابط والدین و فرزندان نقش مهمی دارد، در خانواده‌هایی که والدین رفتارهای محبت‌آمیز دارند، معمولاً کودکان نیز با رفتارهای اخلاقی مثبت و احترام به دیگران و انگیزه پیشرفت رشد می‌یابند. تأثیر و نفوذ خانواده بر ابعاد مختلف رشد اجتماعی کودکان بی‌شمار است (ورشورن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). دریافت پسخوراند مناسب و حمایت‌گرانه از محیط، احساس شایستگی را ارتقا می‌بخشد و تحول‌گرایش‌های فطری و خودنظم‌جویی را تسهیل می‌نماید (رایان و دسی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). پاولس و الیوت<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) معتقدند که اغلب کودکان در ارتباط با اطرافیان (والدین، خواهر، برادر و همسالان) مهارت‌های اجتماعی را بدون تلاش فرا می‌گیرند. البته بسیاری از کودکان نیز به دلایل مختلف موفق به کسب مهارت‌های اجتماعی نمی‌شوند و اغلب رفتارهای رشد نیافته و ضداجتماعی و نامناسب از خود بروز می‌دهند که می‌توان به نقش مؤثر خانواده در بروز این وضعیت رفتاری اشاره کرد. پژوهش‌های مختلفی حاکی از نفوذ و تأثیر روابط خانوادگی در رشد مهارت‌های اجتماعی و تحصیلی کودکان است (به نقل از نورالدین وند، مشتاقی و شهبازی، ۱۳۹۰). نایلینگ (۲۰۱۰)، در یک مطالعه طولی در مورد تأثیر عوامل مختلف خانوادگی و آموزشی بر روی نتایج تحصیلی گروه‌های مختلف دانش‌آموزی با بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی و درون‌داده‌های آموزشی آن‌ها، به این نتیجه رسید که

<sup>۱</sup>. Mykuchy

<sup>۲</sup>. Verschuren

<sup>۳</sup>. Ryan & Deci

<sup>۴</sup>. Powless & Elliot

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با مؤلفه‌های چندگانه خانوادگی همانند باورها و انتظارات والدین، اعمال انضباطی و مداخلات والدین، محیط عاطفی حاکم بر خانواده و منابع در دسترس خانوادگی ارتباط دارد.

پژوهشگران بر این عقیده‌اند که بهترین ملاک و معیاری که براساس آن می‌توان کیفیت اخلاقی، اجتماعی و روانی افراد را مورد ارزیابی و دقت قرار داد همان شبکه ارتباطی اعضای خانواده و مجموعه قوانین حاکم بر محیط و جو خانواده است (ملاشرفی، ۱۳۸۴). یکی از جنبه‌های کارآمدی خانواده در عملکرد تحصیلی فرزندان پدیدار می‌شود. موفقیت یا شکست در اعمال تحصیلی می‌تواند ناشی از کارکردهای سالم یا ناسالم خانواده باشد هرچند که این مفهوم (موفقیت یا شکست تحصیلی) چندعاملی است و عواملی مانند عوامل فردی، درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در آن دخیل است (تمنایی فر، ۱۳۸۶). در عصر حاضر تحصیل بخش مهمی از زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد و بر این اساس نزدیک یک قرن است که گروه‌های تخصصی و روان‌شناسان به صورت گسترده همواره به جوانب مختلف تحصیل توجه داشته و بر شناسایی عوامل پیش‌بینی‌کننده پیشرفت تحصیلی تأکید کرده‌اند. افرادی همانند بینه و سیمون<sup>۵</sup> در سال ۱۹۰۵، ثرندایک<sup>۶</sup>، ۱۹۲۰؛ هریس<sup>۷</sup>، ۱۹۴۰؛ الشات<sup>۸</sup> و هامکر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰ و ... به این مهم پرداخته‌اند (پرموزیک و فورنهام<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳؛ لانس بری، استیل، سولند، گیبسون<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴). پیشرفت تحصیلی از آن جهت مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است که آنچه می‌تواند یک فرد، خانواده و در نهایت یک کشور را در مسیر پیشرفت قرار دهد بهره‌مندی از افرادی است که نه تنها دارای سلامت روانی مناسبی هستند بلکه در سیستم آموزشی، مدرسه و در سطح دانشگاه تحصیلات خود را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند (چاوری و امین<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶). بسیاری از مطالعات انجام شده تأکید بر آن دارند که در پیشرفت تحصیلی علاوه بر عوامل شناختی مانند هوش و استعداد باید سهم بیشتری برای عوامل غیرشناختی در نظر گرفت (محمودیان، ۱۳۸۵). در پژوهش‌های بسیاری به کیفیت ارتباط والدین با فرزندان، تأثیر حمایت خانواده<sup>۱۳</sup>، وجود رابطه گرم و صمیمانه با فرزندان و نقش آن در سازگاری‌های موفقیت‌آمیز در بین دانش‌آموزان اشاره شده است و تأکید دارند که نوع ارتباط والد-فرزند می‌تواند پیش‌بینی‌کننده

5- Binet & Simon

6- Thorndike

7- Harris

8- Elshout

9- Hamaker

10- Premuzic & Furnham

11- Lounsbury , Steel, Loveland & Gibson

12- Chowhury & Amin

13- Family support

سازگاری در دانشگاه باشد و کیفیت این ارتباط بخصوص در سلامت روان و سازگاری دانشجویان تأثیرگذار است (مظاهری، ۱۳۸۷). ارتباط مناسب والدین و فرزندان، همدردی در مورد مشکلات، تبادل نظر در مورد مسائل تحصیلی و اجتماعی و کنترل و نظارت بر وضعیت آنها منجر به ایجاد احساس خودکارآمدی و منجر به انگیزه بیشتر برای کسب موفقیت‌های بعدی در تحصیل می‌گردد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم یک منبع مهم پرورش‌دهنده سازگاری مناسب تحصیلی و اجتماعی شناخته شده است. نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دو بعد حمایت خانواده، پیوستگی خانواده و درگیری والدین در فعالیتهای تحصیلی در پیشرفت و سازگاری دانش‌آموزان مؤثر است. دانش‌آموزانی که والدینشان را در علایق و نگرانی‌های مربوط به مسائل تحصیلی شریک می‌دانند از لحاظ تحصیلی عملکرد بهتری نسبت به سایرین داشته‌اند و رفتارهای مداخله‌ای والدین به طور معناداری بر پیشرفت تحصیلی و اجتماعی فرزندان اثر دارد (لی<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶). یافته‌های پژوهشی دیگر تأکید به روابط خواهر و برادر و حمایت والدین در امر تحصیل فرزند توجه نموده‌اند و معتقدند عواملی مانند تأثیر زندگی با خانواده، نوع سکونت، نداشتن مشکلات مربوط به غذا و مسکن، بهره‌مندی از امکانات رفاهی بر روی رفتار تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار است (زاهدی اصل، ۱۳۸۲). در اهمیت این موضوع باید بیان نمود که، تردیدی نیست که مهم‌ترین نشانگر بازده آموزش علم و برجسته‌ترین نشانگر کاری که یک نظام آموزشی باید انجام دهد، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان است (کری و شیولسون<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸). اهمیت بررسی پیشرفت تحصیلی در این است که یکی از ملاک‌های کارآیی نظام آموزشی، پیشرفت و افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد و کشف و مطالعه عوامل تأثیرگذار بر این متغیرها، به شناخت بهتر و پیش‌بینی عوامل مؤثر در مدرسه می‌انجامد. بنابراین بررسی متغیرهایی که با پیشرفت تحصیلی در دروس مختلف رابطه دارد یکی از موضوعات اساسی پژوهش در نظام آموزش و پرورش است (فراهانی، ۱۹۹۴)، که از آن جمله می‌توان به عوامل فردی، اجتماعی، تحصیلی، آموزشی و روان‌شناختی اشاره کرد. بررسی این عوامل و تعیین میزان سهم هر کدام در پیشرفت تحصیلی به تعیین راهکارهایی برای شناخت عوامل مؤثر بر موفقیت و افت تحصیلی منجر می‌شود و این به برنامه‌ریزان آموزشی کمک می‌کند تا عوامل مثبت تأثیرگذار را بهبود بخشند و از تأثیر عوامل منفی بکاهند (پارکینز<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از یدالهی و همکاران، ۱۳۹۳).

<sup>14</sup>- Lee

<sup>15</sup>- Carey & Shavelson

<sup>16</sup>- Parkins

همچنین باید اذعان نمود، اگر شرایط تربیتی و کیفیت رابطه اولیا و فرزندان، بستری مناسب و مساعد برای رشد آنان فراهم آورد؛ استعداد و توانایی های آنان شکوفا می شود و در غیر این صورت مسائل و مشکلات فراوان از قبیل مشکلات روانی، اجتماعی، رفتاری و ... دامن گیر آن ها می شود. اعمال هرگونه شیوه تربیتی از جانب والدین منوط به برقراری ارتباط با فرزندان می باشد. بایستی بسیاری از پدران و مادران نقش واقعی خود را در کمک به باروری استعدادهای تحصیلی و در نتیجه انجام حمایت های لازم برای کاهش مشکلات فرزندان خویش بدانند تا با افراط و تفریط موجب اختلال و دشواری های یادگیری فرزندان خویش را فراهم نیاورند (پیراسته، ۱۳۸۷).

### نقش خانواده:

امروزه در سایه تحقیقات گسترده، مشخص شده است که تعامل وراثت و محیط، چگونگی رشد هر انسانی را تعیین می کند؛ به عبارت دیگر رفتار هر فردی تحت تأثیر ساختارهای ژنتیکی، محیط قبل از تولد و ضمن تولد و محیط بعد از تولد (خانواده، همسایگان، محل زندگی، جامعه، فرد، خرده فرهنگ ها و ...) است. محیطی که در آن کودکان رشد می کنند، همانند وراثت ژنتیکی بسیار پیچیده است. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی مهم ترین نهاد برای رشد و پرورش محسوب می شود. رفتار هر عضو خانواده بر رفتار دیگر اعضا تأثیر دارد و سیستم خانواده یک سیستم پویا است و دائماً با رویدادهای تازه، تغییرات رشدی اعضای خانواده و تغییرات اجتماعی سازگار می شود. اما علی رغم این تغییرات می توان ویژگی های باثباتی را در عملکرد خانواده ها یافت که نحوه رفتار والدین با فرزندان و ارتباط خواهران و برادران را تعیین می کند (بخشائی، ۱۳۸۸).

تقریباً همه والدین از این که فرزندانشان چگونه باشند، یک تصویر آرمانی می سازند و برای سوق دادن کودک به سوی این هدف (تصویر آرمانی) روش های زیادی را مورد آزمایش قرار می دهند؛ فرزندان خود را تشویق یا تنبیه می کنند، برای کودکانشان سرمشق و الگو ارائه می دهند، انتظارات و باورهای خودشان را توضیح می دهند و سعی می کنند فرزندانشان را به مراکز آموزشی و تربیتی خاص بسپارند و برای آن ها دوستانی انتخاب کنند که با اهداف و ارزش های آن ها هماهنگ باشند (بخشائی، ۱۳۸۸). براین اساس، برای فهم عمیق تر این موضوع می توان به مقایسه شیوه تعامل والدین با فرزندان از نظر راهبردهای انضباطی، گرمی و حمایت گری، شیوه های ارتباط و انتظارات مربوط به رشد و کنترل پرداخت.

### شیوه های تعامل والدین با فرزندان

خانم دیانا بامریند<sup>۱۷</sup>، از صاحب نظران و پیش گامان پژوهش در زمینه شیوه های فرزندپروری، با مشاهده ی طبیعی و زیر نظر گرفتن رفتار والدین و هم چنین مصاحبه و سایر روش های پژوهش، تعامل والدین با کودکان را مورد بررسی قرار داد. بر اساس نظریه بامریند اکثریت والدین یک از سه سبک ۱- آسان گیر ۲- مستبدانه ۳- مقتدرانه و قاطع را نشان می دهند که به کارگیری هر کدام از این روش ها اثرات خاص خود را برجای می گذارد. در پژوهش های بعدی، مک کویی و مارتین شیوه ی چهارم را با عنوان روش مسامحه کارانه و بی تفاوت به این دسته بندی افزودند (بخشائی، ۱۳۸۸).

الف: شیوه تعامل آسان گیرانه

در این شیوه والدین از لحاظ پاسخدهی در سطح بالایی قرار دارند لکن توقعات آن ها از فرزندانشان اندک است و از فرزندان خود انتظار چندانی ندارند. بامریند دریافت که فرزندان والدین سهل گیر خیلی ناپخته هستند. آن ها در کنترل کردن تکانه هایشان مشکل دارند و وقتی از آن ها می خواستند کاری را انجام دهند که با تمایلاتشان مغایر بود اطاعت نمی کردند و بسیار پرتوقع و وابسته به دیگران بودند. چنین والدینی فرزندان خود را به حال خود رها می کنند و به تحصیل فرزندانشان توجهی ندارند (بیرامی و خسروشاهی، ۱۳۸۹).

ب: شیوه تعامل مستبدانه

والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می کنند متوقع هستند، ولی برای پیروی کردن آن، چنان ارزش زیادی قائل هستند که فرزندانشان دوست ندارند پیروی کنند (چوا<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۰). در این سبک والدین خواستار اطاعت بی چون و چرا هستند و به ندرت علت خواسته های خود را توضیح می دهند. آن ها بیشتر از زور استفاده می کنند (احدی و جمهری، ۱۳۸۶). بامریند دریافت که کودکانی که دارای والدین مستبد، مضطرب و گوشه گیر بودند، وقتی با همسالانشان تعامل می کردند در صورت ناکامی با خصومت واکنش نشان می دادند (بامریند، ۱۹۶۷).

پ: شیوه تعامل مقتدرانه

این روش بهترین شیوه تربیتی فرزندان و تعامل با آن ها است. والدین مقتدر درخواست های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست ها را باتعین محدودیت ها و اصرار بر اینکه کودک باید از آن ها تبعیت کند، به اجرا می گذارند. در عین حال آن ها صمیمیت و محبت نشان می دهند، صبورانه به نقطه نظرهای فرزندشان گوش می

<sup>17</sup> . Baumrind

<sup>18</sup> . Choa

کنند و مشارکت در تصمیم گیری خانوادگی را ترغیب می کنند (لطف آبادی، ۱۳۸۵). یافته های بامریند نشان داد که فرزندان والدین مقتدر، بسیار خوب پرورش می یابند. آن ها شاد و سرحال هستند، در تسلط یابی بر تکالیف جدید اعتماد بنفس دارند و از موفقیت تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند (بامریند، ۱۹۶۷). همچنین والدین از لحاظ پاسخدهی و توقعات در سطح بالایی قرار دارند (لطف آبادی، ۱۳۸۵).

ت: شیوه تعامل مسامحه کارانه و بی تفاوت

در این سبک والدین از لحاظ پاسخدهی و توقعات در سطح پایینی قرار دارند. والدین بی مسئولیت هیچ درخواستی از فرزندان خود ندارند. آن چه آن ها را از والدین سهل گیر متمایز می کند این است که کمتر به کودک می رسند و بیشتر بر نیازهای خود متمرکز می شوند. والدین بی کفایت در اختیار فرزند خود نیستند (گلدستین<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۰).

#### نگاهی بر پژوهش های انجام شده

معتقد لاریجانی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان "نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان: دوره راهنمایی شهر تهران" بر روی ۷۴۰ دانش آموز دختر و پسر شهر تهران انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که دانش آموزان با جو خانوادگی ناکارآمد به طور معناداری از نظر وضعیت تحصیلی وضعیت بدتری دارند. وضعیت تحصیلی دانش آموزان خانواده هایی با وضعیت اقتصادی ضعیف در مقایسه با دانش آموزان با وضعیت اقتصادی بالا بیشتر بود. بین وضعیت تحصیلی دانش آموزان و سطح تحصیلات مادران تفاوت معناداری مشاهده نشد و دانش آموزان دختر از نظر وضعیت تحصیلی بهتر از دانش آموزان پسر بودند. به طور کلی نتایج به دست آمده حاصل از این پژوهش نشان داد که بین کارکرد پایین خانواده با کارایی ضعیف تحصیلی نوجوانان دوره راهنمایی رابطه معناداری وجود دارد.

قنبرپور عالم، فرح بخش و اسمعیلی (۱۳۹۱) پژوهش با عنوان "بررسی و مقایسه روابط خانوادگی دانش آموزان موفق و ناموفق در تحصیل" بر روی ۳۲ مشارکت کننده و ۱۶ دانش آموز سال اول متوسطه دبیرستان های شهر شهریار، با استفاده از نمونه گیری هدفمند و تئوریک تا اشباع داده ها و از طریق مصاحبه های نیمه عمیق ساختاریافته انجام داده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که روابط خانوادگی تأثیرگذار بر موفقیت و شکست تحصیلی

<sup>19</sup> . Goldstein

دانش آموزان، عواملی چندگانه و درهم تنیده اند. در نهایت نتایج نشان دادند، روابط اعضای خانواده با هم، رفتار مسئولانه والدین نسبت به فرزندان، روابط و تعامل زوجین با یکدیگر در توفیق و شکست تحصیلی دانش آموزان تأثیرگذار است.

تنهای رشوانلو و حجازی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان" بر روی ۳۳۷ نفر از دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که درگیری مادر، حمایت از خودمختاری پدر و والدین و گرمی مادر، پدر و والدین به واسطه انگیزش خودمختار اثر غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی دارند. نقش واسطه ای انگیزش خودمختار تحصیلی میان ادراک از شیوه فرزندپروری (مادر، پدر و والدین) و پیشرفت تحصیلی به تأیید رسید.

محبی نورالدین‌وند، مشتاقی و شهبازی (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان "رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی شهرستان مسجد سلیمان" انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر و دختر همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه از بین حیطة‌های هشتگانه جو عاطفی خانواده، بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر را وجود احساس مثبت در خانواده و در مورد دانش‌آموزان دختر، محبت کردن و تجارب مشترک با والدین‌شان نشان داد.

پیراسته (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان "پیش بینی پیشرفت تحصیلی بر مبنای عملکرد خانواده و رابطه والد-فرزندی در بین دانش‌آموزان پسر راهنمایی منطقه شش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵" بر روی ۴۰۲ نفر از دانش‌آموزان انجام داده اند. نتیجه اسن پژوهش نشان داد که عملکرد خانواده و رابطه والد-فرزندی پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی هستند. در پرسشنامه عملکرد خانواده، متغیرهای حل مسئله ارتباط و عملکرد کلی خانواده و در پرسشنامه رابطه والد-فرزندی (پدر-فرزند) متغیرهای عاطفه مثبت، ارتباط، خشم و آمیزش پدران و در پرسشنامه رابطه والد-فرزندی (مادر-فرزند) متغیرهای عاطفه مثبت، ارتباط و همانندسازی پیش بینی کننده پیشرفت تحصیلی هستند.

زاده‌محمدی و همکاران (۱۳۸۵) پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه عوامل خانوادگی در وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه استان قم" انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان با جو خانوادگی



ناکارآمد به طور معناداری از نظر وضعیت تحصیلی، وضعیت بدتری دارند. مؤلفه‌های مختلف تعارضات زناشویی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تفاوت معناداری پیدا نکرد. وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با وضعیت اقتصادی ضعیف در مقایسه با وضعیت اقتصادی بالا در سطح معناداری بیشتر بود. بین وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان و سطح تحصیلات مادر تفاوت معناداری مشاهده نشد. دانش‌آموزان دختر از نظر وضعیت تحصیلی بهتر از دانش‌آموزان پسر بودند. نتایج رگرسیون با روش پس‌رونده نشان داد که متغیرهای ترتیب تولد، سن پدر، سن مادر، درآمد، تعداد فرزندان و متغیرهای حل مشکل، ارتباط و کنترل رفتار از دیدگاه دانش‌آموزان و نیز متغیرهای ارتباط، همراهی عاطفی و اقتدار منطقی از دیدگاه مادران پیش‌بینی‌کننده معنادار وضعیت تحصیلی هستند.

یوشی<sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان "تاثیر ساختار خانواده بر عملکرد علمی دانش‌آموزان در دولت محلی ایچج- لاگوس - نیجریه" انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ساختار خانواده تعیین‌کننده عملکرد علمی دانش‌آموزان نیست، اما پس‌زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی والدین، بر عملکرد علمی دانش‌آموزان تاثیر دارد؛ زیرا صرف نظر از ساختار خانواده دانش‌آموزانی که والدین آنها مشاغل بهتر و سطح درآمد بالاتر دارند تمایل به داشتن عملکرد آموزشی سطح بالا دارند.

میولا<sup>۲۱</sup> (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه‌ی بین انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی و محیط خانه در میان دانش‌آموزان (استاندارد ۸)" را بر روی ۲۳۵ تن از دانش‌آموزان کنیایی انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که یک رابطه‌ی منطقی مهمی بین شش فاکتور از عوامل محیطی خانه وجود دارد، که این فاکتورها اشتغال پدر ( $R = 0/22$ )، اشتغال مادر ( $R = 0/26$ )، تحصیلات پدر ( $R = 0/15$ )، تحصیلات مادر ( $R = 0/14$ )، تعداد نفرات خانواده ( $R = 0/26$ ) و امکانات یادگیری در خانه ( $R = 0/23$ ) و انگیزه پیشرفت تحصیلی هستند. تشویق والدین تنها عاملی بود که در ارتباط با انگیزه پیشرفت تحصیلی خیلی قابل توجه نبود ( $R = 0/03$ ) اگر چه ارتباط بین این‌ها کم بود، اما نشان داد که انگیزه دانش‌آموزان برای انجام بهتر کارهای علمی در پاره‌ای از موارد است که وابسته به ماهیت محیط خانه آنهاست.

20 . Ushie

21 . Muola

بهاردین و لاستر<sup>۲۲</sup> (۱۹۹۸) پژوهشی با عنوان "عوامل مرتبط با کیفیت محیط خانواده و پیشرفت کودکان" (مادران آفریقایی-آمریکایی تبار) انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که همگام با مدل blesky مادرانی که کیفیت محیطی بهتری را در خانه فراهم می‌کردند دارای سطوح بالاتری از آموزش، هوش و عزت نفس بودند. مادران با درآمد بالاتر، فرزندان کمتر و کیفیت زناشویی بالاتر حمایت بیشتری را در محیط خانواده ارائه می‌دادند. علاوه بر این سن و جنس فرزندان به طور قابل توجهی با کیفیت محیط در ارتباط بود. تجزیه و تحلیل‌ها نشان داد که کیفیت محیطی که مادران هر دو گروه قومی فراهم می‌سازند با پیشرفت فرزندان آن‌ها در ارتباط است.

### نتیجه گیری:

از آن جا که فرزندان هر خانواده، آینده سازان مملکت هستند، پیشرفت تحصیلی آن‌ها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی، از اهمیت ویژه برخوردار است. عدم توجه والدین به سالم سازی محیط روانی و عاطفی کودکان و نوجوانان و فقدان روابط مناسب، در بیشتر موارد آنان را با کمبودهای عاطفی، انگیزشی و مشکلات روانی روبرو می‌سازد (شاملو، ۱۳۸۶). تحقیقات نشان داده است تجارب خانوادگی تأثیر عمده ای بر تکامل فرد در طول دوره نوجوانی و بعد از آن دارد و ارتباطات خانوادگی سایر جنبه های زندگی نوجوان، مانند موفقیت تحصیلی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (بایرن<sup>۲۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). در پژوهشی آنولا و همکاران نشان دادند که بین شیوه تعامل والدین با میزان موفقیت تحصیلی نوجوانان ارتباط وجود دارد. به نحوی که هرچه میزان حمایت و پاسخدهی والدین در شیوه تربیتی بالاتر باشد، میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان نیز بالاتر است (آنولا و همکاران، ۲۰۰۰). به طور کلی می‌توان گفت که موفقیت زیاد در مدرسه با روش های تعاملی قاطعانه ارتباط دارد. در یک مطالعه وسیع معلوم شد که کودکان دبیرستانی بسیار موفق که نمره های بالایی داشتند والدینشان روشی قاطعانه داشتند. کمترین نمره متعلق به دانش آموزانی بود که والدین مستبد داشتند (دورنباخ<sup>۲۴</sup> و همکاران، ۱۹۸۷).

<sup>۲۲</sup> - Baharudin & Ivster

<sup>۲۳</sup> . Byrne

<sup>۲۴</sup> . Dornbusch

## منابع:

- احدی، حسن؛ جمهری، فرهاد. (۱۳۸۶). روان شناسی رشد (نوجوانی و بزرگسالی). انتشارات پردیس، چاپ چهارم، ص ۱۴۸.
- بخشائی، نورمحمد. (۱۳۸۸). نقش خانواده در تربیت فرزندان. فصلنامه تربیت و خانواده. سال دهم، شماره ۳۹-۴۰، ص ۶۱-۵۸.
- بیرامی، منصور؛ بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۸۹). ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی. فصلنامه علوم تربیتی. سال سوم، شماره ۱۰، ۲۱-۷.
- پیراسته، اسماعیل. (۱۳۸۷). پیش بینی پیشرفت تحصیلی بر مبنای عملکرد خانواده و رابطه والد-فرزندی در بین دانش آموزان پسر راهنمایی منطقه شش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- تمنایی فر، محمدرضا؛ نیازی، محسن؛ امینی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانشجویان مشروط وممتاز. دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار. دانشگاه شاهد. ۱۴(۲۴)، ۳۹-۵۲.
- زاهدی اصل، محمد. (۱۳۸۲). عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان شاهد. نشریه علمی دانشگاه شاهد. ۳(۱۰-۹)، ۵۲-۴۱.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۶). بهداشت روانی. انتشارات رشد، چاپ نوزدهم، ص ۹۴.
- محبی نورالدین وند، محمدحسین؛ مشتاقی، سعید؛ شهبازی، مسعود. (۱۳۹۰). رابطه بین جو عاطفی خانواده با رشد مهارت-های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر پایه های چهارم و پنجم شهرستان مسجد سلیمان. پژوهش در برنامه ریزی درسی. سال هشتم، ۲(۳۰)، ۹۳-۸۴.
- محمودیان، حسین؛ امیری، محمد. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر مؤلفه های اجتماعی، جمعیتی خانواده بر محرومیت تحصیلی فرزندان در ایران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۲۵(۴)، پیاپی(۴۹)، ۱۸۴-۱۵۳.
- مظاهری، علی. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر رفتار ارتباطی - نظارتی والدین بر وضعیت تحصیلی و اجتماعی دانشجویان. پژوهشکده خانواده، گزارش نهایی طرح پژوهشی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری.
- ملاشریفی، شیدا؛ وخشور، حسن؛ سلیمی زاده، محمدکاظم. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس جو خانواده برای خانواده ایرانی ساکن تهران. فصلنامه خانواده پژوهی، ۱(۳)، ۲۶۸-۲۵۵.
- میکوچی، جوزف. (بی تا). نوجوان و خانواده درمانی. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۳.

- یداله‌ی، آزی‌تا؛ میرزآزاده، عظیم؛ فتی، لادن. (۱۳۹۳). پیش‌بینی موفقیت تحصیلی بر اساس هوش هیجانی و مؤلفه‌های جمعیت‌شناختی. *مجله علوم پزشکی رازی*. ۲۱(۱۱۸)، ۸۰-۷۳.

- Aunola K, Stattin H, Nurmi JE. (2000). Parenting style and adolescent achievement strategies. **Journal of Adolescence.**; 23: 205-222.

- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding threepatterns of preschool behavior. **Genetic Psychology Monographs**, 75, 43-88.

- Byrne BA, Haddock CK, Poston SC.(2002). Mid American Heart Institute. Parenting style and adolescent smoking. **Journal of Adolescence. Health.**: 6(30): 418-425.

- Carey, N., & Shavelson, R. (1988). Outcomes, achievement, anticipation, and attitudes. In R. J. Shavelson, L. M. McDonnell, & J. Oakes (Eds.), *Indicators for monitoring mathematics and science education* (pp. 147–191). Los Angeles, CA: Rand Corporation.

- Chowhury ,M.S , & Amin ,M.N(2006).Personality and academic achievement: Interactive effects of conscientiousness and agreeableness on student s performance in principles of economics. **Social Behavior and personality**. 28,433-449.

- Dornbusch, S. M., Ritter. P. L., Leiderman, P. H., Roberts, D. F Fraleigh, M. J.(1987). The relation of parenting style to adolescent school performance. **Child Development**, 58, 1244-1257.

-Farahany, F. M. N. (1994). The relationship of locus of control, Extraversion, Neuroticism with the academic achievement of Iranian students. For the degreeof doctor of philosophy the University of New Soutwales Australia. Available from ProQuest dissertations and thesis database.

- Goldstein M. Heaven P. (2000).Perception of the family, delinquency and emotional adjustment among youth. **Journal of Personality and Individual Differences.**; 20: 1169-1178.

- Lee, S. M., Daniels., H., & Kissing, D. B(2006).Parental influences on adolescent adjustment: parenting styles versus parenting practices. **The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Famiies**. 14(3): 253-259.

- Lounsbury , T.W., Steel ,R.P., Loveland,T.M. ,&Gibson, L.W(2004). An Investigation of personality traits in relation to adolescent school absenteeism. **Journal of Youth and adolescence** ,33,457-466.

- Nailing, Xia. (2010). Family factors and student outcomes. Rand Corporation, Ph.D. ERIC Document  
Reproduction Service, Retrieved  
<http://www.eric.ed.gov/ERICPortal/recordDetail?accno=EJ302109>.

- Premuzic, T.& Furnham ,A.(2003).Personality traits and academic examination performance. **European Journal of personality** ,17,237-250.



- Ryan M R, Deci L E. Self-Determination Theory and the Facilitation of Intrinsic Motivation, Social Development, and Well-Being. *Ame Psych* 2000; 55: 68-78.

- Verschuren, K. (1996). The internal working model of self, and competence in five years old. *Journal of child development*, 67, 5, 2493- 2511.